

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در افزایش آن

سیفاله فضل‌الهی قمشی¹

حیدرعلی جهانبخشی²

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان انجام شد. **روش:** روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، 17400 دانشجوی مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر و نمونه آماری آن، 392 نفر بودند که بر اساس جدول مورگان و کرجسی به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای با 52 سؤال بسته‌پاسخ در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت و پایایی 0,902 مطابق آلفای کراباخ بود. برای تجزیه و تحلیل، از روشهای توصیفی و استنباطی در حد آزمونهای پارامتری تی تک‌گروهی، رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره، در قالب نرم‌افزار اس.پی.اس.اس استفاده شد. **یافته‌ها:** عوامل اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی بر افزایش سن ازدواج دانشجویان تأثیر مثبت دارند. عوامل اقتصادی 9,6، فرهنگی - تربیتی 7,7، فرهنگی - اجتماعی 6,6 و فردی - خانوادگی 5,5 درصد از تغییرات مربوط به افزایش سن ازدواج دانشجویی را پیش‌بینی می‌کنند. تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی بر افزایش سن ازدواج دانشجویی دانشجویان دختر و پسر متفاوت است. **نتیجه‌گیری:** عوامل اقتصادی بهترین پیش‌بینی‌کننده برای افزایش سن ازدواج محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: سن ازدواج دانشجویی، عوامل مؤثر، اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی، فردی - خانوادگی.

دریافت مقاله: 96/04/01؛ تصویب نهایی: 96/11/22.

1. دکتری برنامه‌ریزی درسی و استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم - ایران (نویسنده مسئول) / نشانی: قم، پردیسان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی / شماره 32813832-025 / Email: fazlollahigh@qom-iau.ac.ir
2. دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.

الف) مقدمه

ازدواج، عامل تشکیل خانواده و تکثیر و بقای نسل انسان و سن ازدواج، یکی از شاخصهای مهم برای ارزیابی میزان سلامت جسمی و روانی افراد جامعه است (نقیی و حمیدی، 1394). جامعه‌شناسان، ازدواج را قراردادی اجتماعی، ضامن بقای نسل انسان و سبب آرامش و امنیت در جوامع دانسته‌اند (آقاسی و فلاح‌مین‌باشی، 1394). همچنین، نهاد خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود. امروزه با افزایش سن و کاهش نرخ ازدواج، همسرگزینی و تشکیل خانواده اهمیت بسزایی یافته است. جوانان به دلایل مختلف از مبادرت به ازدواج دوری می‌کنند و پدیده تأخیر در سن ازدواج نه در حکم امری شخصی، بلکه به منزله مسئله‌ای اجتماعی نمود یافته است. در جامعه جوان ایرانی موضوعات مرتبط با حوزه جوانان از مسائل مهم اجتماعی تلقی می‌شود؛ زیرا حدود یک سوم جامعه ایرانی؛ یعنی بیش از 24 میلیون نفر را جمعیت جوان 20 تا 35 ساله تشکیل می‌دهند (همان) که در نهاد مهم اجتماعی ایران؛ یعنی خانواده، مؤثرند. با وجود نگرش مثبت بیشتر جوانان به ضرورت امر ازدواج، سن ازدواج رو به افزایش است؛ جوانان سن مطلوب ازدواج را برای خانم‌ها 23/2 و برای آقایان 27/6 بیان کرده‌اند.

تشکیل خانواده از طریق ازدواج، در همه جوامع و ادیان آسمانی و بشری، نقش بسزایی در سلامت و بهداشت افراد و جامعه داشته، منشأ زاد و ولد و بقا و تداوم نسل است. با تحولات صورت گرفته در جوامع گوناگون، خانواده نیز دچار تحول شده و به معامله‌ای تجاری تبدیل و از فلسفه واقعی خود فاصله گرفته است. افزایش سن ازدواج و عدم تمایل به فرزندآوری در زوجهای جوان، از جمله تحولات و معضلات کنونی جامعه اسلامی ماست (فولادی و ندها، 1393). به نظر می‌رسد ناهمزمانی وقوع بلوغ جنسی و عاطفی و بلوغ اجتماعی و اقتصادی، که خود متأثر از مدرنیته است، عامل اصلی این مهم است. افزون بر این، اضافه شدن شرطهایی همچون: داشتن شغل، درآمد مناسب، برخورداری از تحصیلات عالی برای ازدواج و...، دامنه سن ازدواج را در جامعه ما افزایش داده است.

یکی از شاخصهای مهم برای ارزیابی میزان سلامت جسمی و روانی افراد جامعه، سن ازدواج است. بالا رفتن میانگین سن ازدواج می‌تواند در مسیر سلامت جامعه اختلالاتی به وجود آورد (مورایانا، 2001). از جمله پیامدهای این پدیده می‌توان به افزایش اضطراب و فشار عصبی؛ شیوع افسردگی، اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی؛ تغییر الگوها و هنجارهای ازدواج؛ افزایش فساد اخلاقی با گرایش به جرائم و اعتیاد و مصرف الکل اشاره کرد (آیت‌اللهی، 1392). بدون شک هرگونه تشویق در جهت ترویج ازدواج در جامعه، مستلزم بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر پدیده ازدواج و عوامل مرتبط بر نگرش جوانان نسبت به ازدواج است. در مطالعات مختلف در مورد گرایش و عدم گرایش به ازدواج، به متغیرهای فرهنگی (گرایش دینی

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی ... ♦ 131

و میزان استفاده از رسانه، برابری جنسیتی، سبک فرزندپروری، داشتن خواهر و برادر بزرگ‌تر) و اجتماعی (میزان تحصیلات، هویت طبقاتی، جنسیت افراد، اعتماد به نفس، لذت از مجردی، بالا بودن انتظارات، سخت‌گیری والدین و متغیرهای اقتصادی وضعیت شغلی، وضعیت مسکن، میزان درآمد، شغل والدین و بالا بودن میزان مهریه) اشاره شده است (ضرابی و مصطفوی، 1390؛ صدر الاشرافی و همکاران، 1391). همچنین حل نشدن این مسئله، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی و امنیتی زیادی می‌تواند داشته باشد؛ از جمله: پیری جمعیت، ناکارآمدی جنسی جوانان به ویژه دختران، شکل گرفتن نوزادان دارای اختلالات جسمی و عقب‌ماندگی ذهنی، از دست رفتن نشاط اجتماعی و... دانشگاهها و دانشجویان از مهم‌ترین عناصر فرهنگی جامعه‌اند که با خلق دانش و ترویج فرهنگ و روشهای زندگی در ساختار جامعه نقش اساسی ایفا می‌کنند. ازدواج و تشکیل خانواده از نمادهای فرهنگ اسلامی است که نه تنها برای آسایش روانی و جسمانی افراد، بلکه برای استحکام ارزشها و نهاد خانواده و سلامت اجتماعی و زمینه‌سازی برای تعالی و پاکی و حیات طیبه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بنابر این، با ازدواج به موقع دانشجویان، نه تنها بر عملی شدن و پابندی بر فرهنگ و ارزشها تأکید می‌شود، بلکه بر تقدس محیط پاک و علمی دانشگاهها در جامعه اسلامی نیز تصریح می‌شود.

افزایش سن ازدواج دختران و بروز پدیده تجرد قطعی در بین آنان، از زمره این تحولات فرهنگی و اجتماعی است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه حادث شده است. پدیده افزایش سن ازدواج نه فقط در ایران، بلکه حتی در کشورهای توسعه‌یافته فراصنعتی مانند آمریکا نیز مشاهده می‌شود؛ به طوری که بر اساس نتایج مطالعات موجود، سن ازدواج در این کشور از اواسط دهه 1960 به طرز برجسته‌ای در بین جمعیت آن افزایش یافته است (لوگران و زیسیموپولوس، 2004: 2). زمان ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن به زمانهای دورتر را موجب شده است. فروپاشی نظامهای خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه، عواملی‌اند که در تأخیر ازدواج نقش دارند (محمودیان، 1383: 48). افزایش نرخ رشد جمعیت نیز از مؤلفه‌هایی است که به نوبه خود به افزایش سن ازدواج و بروز پدیده تجرد قطعی دامن زده است. از طرفی، نباید از نظر دور داشت که پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه آن بروز تجرد قطعی، باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر، به طور طبیعی شاهد تخریب و تهدید بهداشت روانی، ایجاد موانع و سدهای مهارکننده در راستای رشد و تعالی روحی و روانی، بروز و ظهور اختلالات و

بیماری‌های روانی و اجتماعی مانند افسردگی، اضطراب، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی، به هدر رفتن انرژی عظیم افراد که مانع از رشد و اعتلای اجتماعی می‌شود، افزایش فاصله سنی والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف در سلیق و دیدگاه‌های دو نسل درون خانواده می‌شود (سلطان‌پور، 1379: 12). با توجه به این مهم و تأکید مکتب انسان‌ساز اسلام بر ازدواج به موقع جوانان، به عنوان مایه آرامش روح و روان و آسایش جسم و جان (روم: 21) و با توجه به لزوم ایجاد محیطی سالم و پاک برای تفکر و تولید علم و دانش و ترویج فرهنگ و ارزشهای جامعه در دانشگاهها به عنوان مرکز تفکر و تولید علم که مهم‌ترین عنصر سازنده آنها نیز جوانان دانشجویند که سلامت فکری و جسمی آنان موجب تدارک محیط و تجارب یادگیری برای تولید دانش محسوب می‌شود و ازدواج دانشجویان در سنین مناسب دانشجویی بر مساعد شدن محیط و شادابی در دانشگاهها و تمرکز دقت بر اهداف علمی خواهد شد؛ لذا محققان در صدد برآمدند تا با شناسایی الویت‌بندی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان، امکان برنامه‌ریزی فرهنگی و مدیریتی را برای داشتن دانشگاههای رشد یافته و تأثیرگذار و مبتنی بر فرهنگ و ارزشهای اسلامی مهیا سازند.

ب) مبانی نظری و ادبیات تحقیق

ازدواج از کلمه «زوج» به معنی جفت گرفته شده و معنی آن، جفت شدن یا دوتا شدن است. در اصل، کسی که تا به حال تنها و مجرد بوده، با ازدواج، مبادرت به تشکیل کوچک‌ترین واحد یک جامعه یعنی خانواده می‌کند. ازدواج را می‌توان یک قرارداد اجتماعی مبتنی بر توافق و سازش بین زن و مرد در راستای دوام اجتماع دانست (بیانگرد، 1381: 56). ازدواج، فرایندی از تعامل بین زن و مرد است که تحت شرایط و مراسم قانونی - شرعی و عرفی برگزار می‌شود و عمل به آن، مورد پذیرش شرع، قوانین و نظام اجتماعی است (همان: 20). ازدواج، عملی است که پیوند بین دو جنس را بر پایه روابط پایای جنسی موجب می‌شود؛ بنابراین، رابطه دو فرد از یک جنس، چه به طور موقت و چه دائم، ازدواج خوانده نمی‌شود. از سوی دیگر، در تعریف ازدواج روابط جسمانی بین دو جنس مخالف به خودی خود کافی به نظر نمی‌رسد؛ چه ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب می‌شود (ساروخانی، 1370: 23). از نظر کارلسون¹ ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک زن و یک مرد، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود بر پا دارند که عمل آنان مورد پذیرش قانون نیز قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است. (کارلسون، 1963: 31)

1. Karlsson

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی ... ♦ 133

تأخیر در ازدواج به عنوان متغیر وابسته توسط صاحب‌نظران مختلف اقتصادی و اجتماعی بحث و بررسی شده است. به نظر اقتصاددانان، در دوره‌های رکود و به طور کلی بحرانهای اقتصادی و بدی محصول و نیز بحرانهای سیاسی و طبیعی همچون: جنگ، انقلاب و زلزله، ازدواج به تأخیر می‌افتد (سگان، 1992: 128-127). از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت در جامعه، نتیجه ازدواج سالم و محیط آرام‌بخش خانواده است. از دید روان‌شناسی، ازدواج یکی از بالاترین ترکیبات روانی را در بر دارد. از نظر پزشکی، بیشترین ضایعات انسانی و بیماری‌ها، متوجه افراد مجرد است و سهم ازدواج در کاهش آن حائز اهمیت است. از نظر علمای اخلاق، ازدواج می‌تواند از اشاعه فساد و فحشا و رفتارهای ناپسندی که پیامد مستقیم عنان گسیختگی غرایز جنسی است، جلوگیری کند و یکی از پایه‌های حفظ سلامت جامعه است. از دیدگاه اسلام، ازدواج ضمن دارا بودن همه ویژگی‌های لازم در حفظ روابط خانوادگی و اجتماعی و بقای نسل و جلوگیری از انحرافهای مختلف، عبادت به شمار می‌آید و راهی است که به کمال انسان منتهی می‌شود. (عبداللهی، 1366: 77)

دورکیم با مبنا قرار دادن تغییرات اجتماعی، در نهایت به این نتیجه رسید که تخصصی شدن و تمایزات فردی، وضعیتی را ایجاد می‌کند که در حالت نابسامانی (سردرگمی افراد در تشخیص ارزشها) نیازهای افراد تشدید می‌شود (مهدوی، 1377: 76). در دنیای امروز، افزایش جمعیت و گسترش تقسیم کار اجتماعی و ایجاد مشاغل متنوع، موجب ارتباطات اجتماعی زیاد، تراکم اخلاقی و ارزشها و هنجارهای گوناگون در جامعه شده است (روشه، 1366: 43). هر چند تنوع ارزشها و هنجارها در جوامع مختلف از دیرباز وجود داشته، اما آنچه در مقوله تغییرات اجتماعی به عنوان یک پدیده، اثرات غیر قابل انکاری بر رخساره‌های زندگی اجتماعی انسان از جمله خانواده دارد، ازدواج است. در جوامع در معرض مدرنیسم، همه چیز در حال تحول است. به دلیل وابستگی بخشهای مختلف جامعه به یکدیگر، شروع تحول در یک بخش، به سرعت بر بخشهای دیگر تأثیر می‌گذارد. در کشور ما نیز مدرنیسم از حدود نیم قرن پیش بخشهایی از جامعه را متحول کرده است. این تحولات موجب تحول در خانواده و ازدواج و همسرگزینی نیز شده است؛ کاهش تعداد ازدواجها و افزایش سن ازدواج از این مواردند. (جعفری مزدهی، 1382: 85)

تبیین دیگری از سن ازدواج با رویکرد اقتصادی توسط کیلی¹ ارائه شد (کیلی، 1977: 238-250). او در پی آن بود تا الگویی اقتصادی از عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج طراحی کند و سپس به آزمون آن بپردازد. کیلی با ترکیب نظریه تولید خانوار و جستجو نشان می‌دهد که چگونه عوامل مؤثر در ورود به بازار ازدواج و طول دوره جستجو برای یافتن همسر، سن اولین ازدواج افراد را تعیین می‌کنند. او در توضیح این مطلب بحث می‌کند که چون محصول تولید شده (غیر بازاری) در پی ازدواج به ترکیب ویژگی‌های زوجین بستگی

دارد؛ لذا افراد مجرد منابع را بیشتر صرف جستجو برای یافتن مناسب‌ترین همسر می‌کنند. بدین ترتیب، فرد مجرد ابتدا وارد بازار ازدواج شده، سپس به جستجوی همسر می‌پردازد. از این رو، سن ازدواج به عوامل تعیین‌کننده ورود به بازار ازدواج و نیز طول دوره جستجو بستگی دارد. در عین حال، هر دوی این عوامل یعنی ورود به بازار و طول دوره جستجو تحت تأثیر عواید حاصل از ازدواج و هزینه‌های جستجو قرار دارند. (همان: 238)

برگستروم و بگنولی¹ با همان رویکرد، رابطه سطح آموزش و سن ازدواج را توضیح دادند. آنان در پاسخ به این پرسش که چرا افراد با تحصیلات بالا، گرایش به ازدواج دیرهنگام دارند، می‌گویند: به سختی می‌توان فهمید که چرا منافع ازدواج برای کسانی که در دانشگاهها حضور پیدا می‌کنند، کمتر از منافع ازدواج برای افرادی است که مشغول به کار بوده و دستمزد می‌گیرند. یکی از متقاعدکننده‌ترین راهها برای پاسخ به این مسئله آن است که یک مرد جوان می‌تواند به همسران بالقوه (زنان) چنین وانمود کند که او فردی توانمند و ساعی است که توانسته مدرک دانشگاهی را به دست آورد (مهربانی، 1393: 89). لذا به منظور به دست آوردن با کیفیت‌ترین زن و ازدواج با او، مشغول به تحصیل می‌شود و سن ازدواجش افزایش می‌یابد. از این رو، به نظر می‌رسد میان اقتصاددانان بر سر رابطه آموزش و سن ازدواج توافق وجود دارد، اما آنچه محل اختلاف است به رابطه درآمد و سن ازدواج مربوط می‌شود. در حالی که بکر² در عین مطرح کردن عوامل مؤثر در بهره‌وری غیر بازاری و فرصتهای بازاری، به تأثیر آموزش در منافع و سن ازدواج اشاره‌ای نکرد و اظهار داشت که هر چه تعداد فرزندان مد نظر فرد بیشتر باشد، درآمد انتظاری وی در طول عمر بالاتر و سطح آموزش پایین‌تر باشد، سن ورود به بازار ازدواج پایین‌تر خواهد بود (بکر، 1974: 22). به نظر می‌رسد از نظر بکر، رابطه میان آموزش و سن ازدواج مثبت است و با توجه به بحث مربوط به فرصتهای بازاری، می‌توان گفت که افزایش سطح آموزش، عامل گسترش فرصتهای بازاری است؛ لذا منافع حاصل از قرار گرفتن در قالب خانواده را کاهش می‌دهد و سن ازدواج را بالا می‌برد.

اسلام، دین فرهنگ و محور اصلاحات در فرهنگ اسلامی، فرهنگ‌سازی است. فرهنگ عصاره زندگی اجتماعی است و به وسیله فرهنگ است که انسان از جهات مختلف با مردم پیرامونش همراهی می‌یابد و از مردم جوامع دیگر متمایز و مشخص می‌شود و یقیناً هستی و بقای انسان و جامعه منوط به فرهنگ اوست (فضل‌الهی قمی، 1392: 1). دانشگاهها و دانشجویان از مهم‌ترین عناصر فرهنگی جامعه‌اند که با خلق دانش و ترویج فرهنگ و روشهای زندگی در ساختار جامعه نقش اساسی ایفا می‌کنند. ازدواج و تشکیل خانواده از نمادهای فرهنگ اسلامی است که نه تنها برای آسایش روانی و جسمانی افراد، بلکه برای

1. Bergstrom & Bengoly

2. Becker

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی ... ♦ 135

استحکام ارزشها و نهاد خانواده و سلامت اجتماعی و زمینه‌سازی برای تعالی و پاکی و حیات طیبه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. بنابر این، با ازدواج به موقع دانشجویان نه تنها بر عملی شدن و پایداری بر فرهنگ و ارزشها تأکید می‌شود، بلکه بر تقدس محیط پاک و علمی دانشگاهها در جامعه اسلامی نیز تصریح می‌شود. از نظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی است و خود از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است (روم: 21). ازدواج، رابطه نزدیکی است که میان زن و مرد برای مدت طولانی برقرار می‌شود و این رابطه فقط به منظور ارضای تمایلات آنی نیست، بلکه زندگی آینده و خوشبختی زن و مرد و کودکان آنها بر اساس این قرارداد شکل گرفته است. در ازدواج، سازش دائمی و از خود گذشتگی فراوان لازم است؛ ولی اگر زن و مرد قبل از ازدواج با یکدیگر توافق بیشتری داشته باشند، امکان سازش بعدی بیشتر خواهد بود (احمدی منفرد، 1387: 20). مسئله ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم حیات بشر در طول تاریخ بوده است. به همین خاطر، این مسئله علاوه بر ادیان و مذاهب، مورد توجه حوزه‌های علمی مختلف همچون: جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، فلسفه و... بوده است. از این رو، با اهتمام به اهمیت خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه، در صورت هر گونه تغییر و تحول در جامعه، بالطبع تغییراتی در این نهاد نیز ایجاد خواهد شد.

عوامل بازدارنده ازدواج

هر عاملی که باعث عدم شکل‌گیری ازدواج دختر و پسر شده یا آن را به تأخیر بیاندازد، عامل بازدارنده ازدواج نامیده می‌شود (دژکام، 1383: 108)؛ از جمله: مشکلات اقتصادی و تشریفات و رسوم غلط، آزادی‌های غلط و گریز از مسئولیت، خدمت سربازی پسران، مشکل تهیه مسکن، مشکل پسندی و وسواس در انتخاب همسر، فقر و تهیدستی (یابانگرد، 1381: 94)، بر هم خوردن تعادل و توازن دختر و پسر آماده ازدواج به دلیل مهاجرت از روستاها برای تحصیلات دانشگاهی (صادقیان، 1380: 5)، انحرافات جنسی و روابط نامشروع، ناتوانی جنسی مرد و سرد مزاجی زن، روابط عشقی شدید یعنی عاشق شدن، ناهماهنگی سطح اقتصادی و اجتماعی خانواده طرفین، گذشت زمان و مسن شدن دختر یا پسر، محارم رضاعی، تفاوت زیاد هوشی دختر و پسر، اختلافات عقیدتی و مذهبی و... (دژکام، 1383: 108). گاهی این عوامل قابل رفع‌اند و اساساً مهم نیستند (مثل فقر و تنگدستی، زمان تحصیل و...)، گاهی نیز قابل رفع نبوده و ازدواج نباید صورت گیرد؛ نظیر روابط عشقی، اختلاف شدید، تحصیلات، مشکلات اقتصادی و عدم توافق کامل خانواده دو طرف. (همان: 109)

سن ازدواج یکی از شاخصهای مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه است (بورایاما، 2001: 307). در کشور ما که هنجارهای دینی نزد عموم مردم از مطلوبیت خاصی برخوردار است، دامنه تأثیر سن ازدواج را به حوزه‌های رفتاری و فرهنگی هویتی نسل جوان می‌کشاند. افزایش قابل توجه

سن ازدواج جوانان پس از قرن‌ها تجربه ازدواج زودرس، از پدیده‌های مهم در تغییرات اجتماعی به شمار می‌رود (حاجتال، 1965: 48). ازدواج و تشکیل خانواده، از جمله مسائلی است که همواره موضوع بحث ادیان و مذاهب، فلاسفه، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، علمای تعلیم و تربیت، شعرا، نویسندگان و هنرمندان بوده است. در امر ازدواج و تشکیل خانواده، اهداف و انگیزه‌هایی همچون: میل بشر به تداوم نسل، نیاز اقتصادی و نیاز روحی و ... دخیل بوده که این عوامل در دوره‌های مختلف تاریخ بشری متغیر بوده است (کالدول، 1981: 14). اما آنچه امروزه به صورت چالش اصلی جوانان جامعه ایرانی درآمده، افزایش سن ازدواج جوانان است؛ جوانانی که ازدواج نمی‌کنند، جوانانی که فرصت ازدواج نمی‌یابند، جوانانی که به خاطر سنت‌های غلط اجتماعی مجبور به خانه نشینی‌اند و همچنین جوانانی که دوست دارند مدت‌های زیادی از عمر خود را مجرد باشند. این مسائل و عواملی دیگر، دست به دست هم داده و پدیده سن ازدواج را به صورت یک مسئله درآورده است. گفتنی است که پیامد این پدیده می‌تواند به افزایش اضطرابها و فشارهای عصبی و شیوع افسردگی و اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی بینجامد و با سپری شدن دوران شور زندگی، انگیزه تشکیل خانواده را کم و دخترانی را که به سنین بالا رسیده‌اند از دسترسی به تشکیل خانواده مأیوس کند (آزاد ارمکی، 1386: 102). همچنین، افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی، ازدواج را از دایره شرعی و قانونی خارج می‌کند و امنیت خانواده را به مخاطره می‌اندازد و آسیب‌های دیگری را همچون افزایش طلاق به جهت ارتباطات نامشروع به همراه خواهد داشت (گیدنز، 1386: 453). از طرفی، مشکلات خاصی مانند مهریه‌های سنگین، مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر، هدایا و لباس‌های گوناگون، جشن‌های عقد و عروسی و میزان اجاره، رهن یا خرید مسکن، بارداری و تربیت فرزند و دهها مسئله دیگر خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی فراوری جوانان است (اسکندری، 1387: 3). همزمان با تحولات اقتصادی و اجتماعی مانند شهرنشینی، آموزش و تحصیلات، ایجاد مشاغل جدید و ظهور قشرهای مختلف، نظام خانواده و هنجارهای حاکم بر آن را در تغییرات سن ازدواج می‌توان مشاهده کرد (کعانی، 1385: 106). با توجه به اهمیت مسئله افزایش سن ازدواج از جهات مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی برای افراد، موضوع زمانی مهم‌تر جلوه می‌نماید که به قشر فرهیخته و روشنفکر دانشجویان دانشگاهها مربوط باشد. دانشجویان سرمایه‌های فکری و فرهنگی و مدیران و رهبران آتی جامعه‌اند که رسالت تولید علم، توسعه فرهنگ و ارائه خدمات فرهنگی به مردم را بر عهده خواهند داشت و به طور حتم، طرز فکر و تلقی آنان می‌تواند بر جامعه تأثیرات مختلفی داشته باشد. پدیده ازدواج دانشجویی موجبات نشاط روحی و جسمی آنان و زمینه‌ساز سلامتی و پاکی محیط مقدس دانشگاهها برای تولید علم و تلاش برای رسیدن به قله‌های تعالی فردی و اجتماعی خواهد بود؛ امری که نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها چند سالی است با بسترسازی فرهنگی

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی ... ♦ 137

و ارائه خدمات مالی و تسهیلات سعی دارد در تحقق حیات طیبه در دانشگاهها از این طریق قدمی مناسب بردارد؛ اما با وجود این تلاش خالصانه، هنوز سن ازدواج دانشجویی نیازمند واکاوی عمیق و مبتنی بر واقع است تا با ریشه‌یابی علل، برنامه‌ریزی مؤثری را برای رسیدن به اهداف بانجام برساند.

ج) پیشینه تحقیق

مطالعات و جستجوهای انجام شده در مراکز اطلاع‌رسانی معتبر کشور نشان داد تحقیقات توصیفی مبتنی بر تحلیل داده‌ها بسیار محدود است؛ هر چند تحقیقاتی که تا حدودی به موضوع مربوط باشند، کم نیستند.

محمودیان (1383) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ازدواجهای جدیدتر در سنین بالاتری اتفاق می‌افتد و میزان تحصیلات، شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواجهای آزادتر، برابری جنسیتی و نسبت خویشاوندی زوجین اثر مستقیم بر سن ازدواج دارند و قومیت در افزایش و کاهش سن ازدواج تأثیر دارد.

کاظمی‌پور (1383) طی پژوهشی به این نتیجه رسید که بین سن ازدواج، سواد، تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر و روستا و به طور کلی پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد، ارتباط وجود دارد. همچنین ساختمان سنی جمعیت (عدم تناسب بین زنان و مردان ازدواج نکرده) از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات سن ازدواج در ایران است.

نیک‌منش و کاظمی (1385) به بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج در جوانان و راه‌حلهای مؤثر برای رفع این مشکل پرداخته و نشان دادند که فرصتهای ازدواج برای دختران دارای تأخیر در ازدواج نسبت به پسران بیشتر فراهم بوده و دختران مهم‌ترین دلیل ازدواج نکردن خود را نیافتن فرد مورد علاقه و ادامه تحصیل معرفی کرده‌اند. پسران مشکلات اقتصادی و بیکاری را دلیل عدم ازدواج خود مطرح کرده‌اند. میزان امید برای ازدواج در آینده در پسران نسبت به دختران بیشتر است. همچنین نشان دادند که دختران و پسران، کاهش انتظارات والدین را به عنوان راه حل عمده معضل ازدواج می‌دانند. در اولویت دوم، پسران و دختران رفع مشکلات اقتصادی و بیکاری را به عنوان راه حل مطرح کرده‌اند.

مجدالدین (1386) در تحقیقی به این نتیجه رسید که خانواده به لحاظ تأثیرگذاری بر اعضای خود و نیز بر سطوح مختلف جامعه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و عامل پیدایش خانواده، ازدواج است. پس سلامت جامعه و خانواده وابسته به ازدواجی سالم و پردوام است. همچنین عوامل اجتماعی و مشکلات اجتماعی ناشی از آن مانند فقر اقتصادی و بیکاری، به مهاجرت، ازدواج و سکونت دائم پسرهای روستا در شهرها و عدم تعادل جنسی در روستا منجر می‌شود؛ به نحوی که باعث افزایش تعداد دختران مجرد ساکن در روستا و تأخیر در سن ازدواج آنان شده و ممکن است افزایش آسیبها و انحرافات اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

رجبی (1386) در پژوهش خود، بالا رفتن سن ازدواج را یکی از معضلات مهم جوامع بشری معرفی کرد؛ زیرا با افزایش سن ازدواج، جوانان از شیوه بهنجار ارضای غریزه جنسی و آثار و فواید آن محروم می‌شوند. در جوامع گذشته، پسران و دختران با رسیدن به سن بلوغ، یا کمی بعد از آن اقدام به ازدواج می‌کردند و مجرد ماندن، نقص اجتماعی محسوب می‌شد. اما با پیچیده‌تر شدن جوامع و ایجاد خواسته‌ها و انگیزه‌های کاذب، ذائقه اجتماعی تغییر یافت و به تبع این تغییر ذائقه، نیاز طبیعی و غریزی به ازدواج سرکوب و این روند، تا جایی پیش رفته که امروزه در بعضی جوامع غربی، جوانان به کلی از ازدواج سر باز زده‌اند و آن را مانعی برای آزادی خود تلقی می‌کنند. تنها زمانی به ازدواج روی می‌آورند که نشاط جوانی را از دست بدهند و نیازمند یک پرستار یا مراقب باشند. متأسفانه این فرهنگ اشتباه، جوامع اسلامی از جمله جامعه اسلامی ما را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است؛ به گونه‌ای که افزایش رو به تزاید سن ازدواج در کشور، مشکلات فراوانی به دنبال داشته است. مشکلاتی همچون افسردگی و از بین رفتن نشاط در جوانان، ابتلا به وسواس زیاد در انتخاب همسر، مشکل آفرینی فرزندان بزرگ و ازدواج نکرده در خانه، افزایش اضطراب و نگرانی به خصوص در دختران، بلا تکلیفی، از دست رفتن طراوت و زیبایی، ناامیدی و تصمیم به عدم ازدواج به خاطر کاهش میل به ازدواج، بی‌دقتی در انتخاب همسر، احتمال افزایش انحرافات و ده‌ها مشکل از این قبیل که جوانان ما را به چالش کشانده است.

فروستان و همکاران (1387) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که از نظر دانشجوی، سطح تحصیلات همسر بسیار اهمیت دارد و از معیارهای انتخاب همسر است. همچنین در مورد معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر، بین دختران و پسران دانشجوی تفاوت معنادار وجود دارد؛ دختران بیشترین تمایل را در انتخاب سطح تحصیلات بالاتر همسر و پسران کمترین تمایل را در انتخاب سطح تحصیلات بالاتر همسر از خود نشان دادند. بر اساس نتایج این پژوهش، این نگرش و تفکر قالبی در جامعه وجود دارد که باید سطح تحصیلات مرد بالاتر از همسرش باشد. همچنین آمارها بیانگر افزایش تعداد دانشجویان دختر ورودی دانشگاهها نسبت به دانشجویان پسر است. این روند می‌تواند موجب افزایش سن تجرد در جوانان، به خصوص دختران تحصیل کرده جامعه شود.

کاظمی‌پور (1388) در پژوهش دیگری به این نتیجه رسید که در جامعه ایران، نهاد خانواده و تعاملات درونی اعضای آن، به میزان رشد و توسعه صنعتی شدن و شهرنشینی در کشور رشد نکرده است. در این بین، طلاق میان افراد با پایگاه اجتماعی پایین‌تر، بیش از بقیه بوده است. بر اساس نظریه مبادله، بسیاری از جوانان برای انتخاب همسر، بیشتر به انتخاب عقلانی توجه دارند و نگرش به ازدواج در بین جوانان به یک امر عقلانی تبدیل شده است.

کاظمی و نیازی (1389) در مقاله‌ای به این نتیجه رسیدند که با افزایش آرمانگرایی توسعه‌ای افراد، الگوی ازدواج آنها مدرن‌تر می‌شود. همچنین متغیرهای جنس، سن، اولویت‌های ارزشی، درآمد، میزان تحصیلات و

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی ... ♦ 139

میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، با الگوی ازدواج رابطه معناداری دارند. بر اساس نتایج رگرسیون چند متغیره از بین کل متغیرهای مستقل، متغیرهای جنس، آرمان‌گرایی توسعه‌ای، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سن، اولویتهای ارزشی و درآمد، 73 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیر جنس بیشترین تأثیر را بر الگوی ازدواج داشت.

ضرابی و مصطفوی (1390) بر اساس پژوهش خود، بیان داشتند ازدواج پدیده‌ای اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی است و سن ازدواج، نشانگر خوبی برای بررسی این پدیده به شمار می‌رود. نتایج پژوهش، تأثیر مثبت سطح تحصیلات را بر سن ازدواج زنان ثابت کرد. همچنین متغیر شهری بودن در مقایسه با روستایی بودن، در مجموع تأثیر منفی بر سن ازدواج زنان نشان داد. در میان قومیت‌های مختلف نیز تفاوت سن ازدواج دیده می‌شود. نتایج همچنین نشان داد که سن ازدواج در میان خانوارهای طبقات اقتصادی بالاتر، پایین‌تر است و در میان دسته‌های سنی اخیر نسبت به گذشته با روندی افزایشی روبروست.

فراهانی خلیج‌آبادی و همکاران (1390) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که پس از کنترل جنس، وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده و تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان است؛ به طوری که تجربه معاشرت پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج، حدود دو سال ازدواج را با تأخیر همراه می‌سازد. همچنین معاشرتهای قبل از ازدواج در دختران با تمایل بیشتر به ازدواج و در پسران با تمایل کمتر به ازدواج رابطه معنادار دارد.

حبیب‌پور گتایی و غفاری (1390) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند؛ نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه فرصتهای از دست رفته بیش از فرصت ازدواج است. از طرفی، اگر شرایط جامعه چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی - فرهنگی، آمادگی پذیرش چنین تحولاتی را نداشته باشد، تبعات منفی آن بیش از دستاوردهای مثبت آن خواهد بود.

بانکی‌پور فرد و همکاران (1390) طی مقاله‌ای به این نتیجه رسیدند که موانع فرهنگی بیشتر از موانع اقتصادی بر وضعیت کنونی ازدواج اثر داشته، اما کمتر به آن توجه شده است. همچنین روند وضعیت ازدواج در سالهای اخیر نگران‌کننده بوده؛ به نحوی که با وجود افزایش جمعیت، نرخ رشد ازدواج کاهش و نرخ طلاق به شدت افزایش داشته و در این شرایط، میانگین سن ازدواج، به خصوص در دختران افزایش یافته است. نتیجه آنکه؛ ازدواج همسالان، آموزش مهارتهای زندگی در سطوح مختلف، رصد دائمی و توجه ویژه مدیران در برنامه‌ریزی‌ها و عزم ملی برای حل معضل، از جمله راههای برون‌رفت از این وضعیت بحرانی است.

میرسندهی و محمدی قلعه‌سفیدی (1390) با تأکید بر رویکر اسلامی به این نتیجه رسیدند که بین تحصیلات زنان متأهل و سطح توقعات اقتصادی دختران شهر تهران، رابطه معنادار منفی و معکوس وجود

دارد. به عبارت دیگر؛ هر چه سطح تحصیلات آنها بالاتر می‌رود، سطح توقعات اقتصادی‌شان در زندگی کمتر می‌شود. همچنین بین میزان تحصیلات زنان متأهل و میزان فشارهای اجتماعی، رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش سطح تحصیلات، میزان فشارهای اجتماعی بیشتر می‌شود و فرد تمایل بیشتری به ازدواج دارد.

مرادی و صفاریان (1391) طی تحقیقی نشان دادند که بین متغیرهایی چون: نگرش افراد به برابری جنسیتی، سبک فرزندپروری دموکراسی، سبک فرزندپروری استبدادی، تحصیلات و میزان لذت بردن از مجردی، میزان سخت‌گیری والدین و سطح انتظارات، ارتباط معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش حسینی و گراوند (1392) بیانگر این واقعیت است که مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و عوامل و زمینه‌های قومی - فرهنگی، تبیین بهتری از شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج دارند.

فضل‌الهی قمشی و ملکی توانا (1392) در بررسی خود نشان دادند سلامت فکری و روانی، از اولویت‌دارترین و دیدگاه سیاسی، از کم اهمیت‌ترین معیارهای انتخاب همسر در بین دانشجویان است و عفت و پاکدامنی، برخورداری از نجابت خانوادگی و شخصی، داشتن صداقت در زندگی زناشویی، توافق اخلاقی بین زوجین، امنیت و آرامش در زندگی، قابل اعتماد بودن، حس مسئولیت‌پذیری بالا، سلامت جسمانی، تناسب فرهنگی و تحصیلی بین زوجها، به ترتیب از مهم‌ترین معیارهای انتخاب همسر در بین دانشجویان بوده است. آنها نتیجه گرفتند دانشجویان در همسرگزینی به معیارهای مادی و ظاهری در مقایسه با عوامل معنوی، توجه فرعی و غیر اصلی دارند که با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی هماهنگی بیشتری دارد.

نیازی، شاطریان و شفاعی مقدم (1394) در بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج، نشان دادند بین متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده و تضعیف باورهای دینی با متغیر نگرش منفی به ازدواج، رابطه معنادار وجود دارد.

مهربانی (1393) در تحلیل اقتصادی تصمیم‌گیری برای سن ازدواج نشان داد که آموزش، عاملی مؤثر در افزایش سن ازدواج و سن مطلوب ازدواج برای مردان بیش از زنان است. این تحقیق، شواهدی را در حمایت از اثر منفی موقعیت اقتصادی (طبقه‌ای) به هنگام ازدواج ارائه می‌دهد که این متغیر بیانگر درآمد غیر دستمزدی افراد در زمان تشکیل خانواده است. با این وصف، پایین آمدن سن ازدواج می‌تواند یکی از عوارض کاهش شکاف طبقاتی (با ثبات سایر شرایط) در جامعه باشد.

کاوه فیروز، کاظمی‌پور و رنجبر (1393) در مقاله خود، عوامل تبیین‌کننده افزایش سن ازدواج را شامل مقطع تحصیلی، محل سکونت، درجه توسعه‌یافتگی زادگاه جغرافیایی، اختلاف نگرش با والدین در امر

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی ... ♦ 141

ازدواج، توقعات اجتماعی، توقعات اقتصادی، میزان دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، موافقت با تسهیل روابط دختر و پسر، شیوه‌های انتخاب همسر و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین دانسته، نشان دادند که متغیرهای جمعیتی - اجتماعی بررسی شده در حدود 33 درصد از تغییرات افزایش سن ازدواج دختران دانشگاهی تهران را تبیین می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نشان داد در بین متغیرهای بررسی شده، مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر سن ازدواج دختران، متغیر دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با ضریب بتای 0/435 بوده است. بعد از آن، متغیرهای اختلاف نگرش دختران با والدین و نیز توقعات اجتماعی، بیشترین سهم را در افزایش سن ازدواج دختران دارند؛ در حالی که متغیرهای توقعات اقتصادی و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین نقش بسیار ناچیزی در افزایش سن ازدواج دختران دارد.

تحلیل واقع‌بینانه پیشینه‌های ذکر شده، بیانگر فقدان پیشینه‌های مستقیم مرتبط و مبتنی بر اهداف، روشها، شرایط، محیط و ساختار این تحقیق است. شکل‌گیری این پژوهش از طریق مراجعه به خود دانشجویان، بر متمایز بودن آن تأکید دارد. شناسایی عوامل مؤثر بر سن ازدواج دانشجویان با فرایند مطالعه شده، منحصر به این پژوهش است.

(د) روش تحقیق

این تحقیق از نظر اهداف، کاربردی و به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق، کلیه دانشجویان مجرد مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر در نیمسال دوم تحصیلی 94-95 به تعداد حدود 17400 نفر بودند. نمونه آماری شامل 392 نفر (203 دختر و 189 پسر) از دانشجویان مذکور بود که بر اساس جدول برآورد حجم نمونه، از روی حجم جامعه مورگان و کرجسی¹ (حسن‌زاده، 1383: 133) و به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه محقق‌ساخته حاوی 52 مؤلفه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت با پایایی معادل 0/902 مطابق آلفای کرانباخ استفاده شده است. برای تهیه پرسشنامه، ابتدا تمام مقالات منتشر شده در ارتباط با سن ازدواج استحصال و مطالعه شد. سپس بیش از 100 مؤلفه مؤثر در سن ازدواج دانشجویی شناسایی و با نظر متخصصان روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی بررسی شدند که نتیجه آن، قطعی شدن تعداد 52 سؤال برای پرسش از دانشجویان بود. پس از مشخص شدن عوامل، با نظر متخصصان مزبور و بر اساس جمع‌بندی چارچوب نظری تحقیق، در قالب عوامل اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، فرهنگی - تربیتی و فردی - خانوادگی مقوله‌بندی شد. برای عوامل اقتصادی، 10 سؤال؛ فرهنگی - تربیتی، 11 سؤال؛ فرهنگی -

اجتماعی، 20 سؤال و فردی - خانوادگی، 11 سؤال استفاده شد. برای تعیین پایایی ابزار گردآوری اطلاعات، ابتدا تعداد 35 پرسشنامه روی افرادی خارج از نمونه اجرا و پس از کسب اطمینان از اعتبار آن و جمع‌آوری اطلاعات مجدد پایایی از روی کل پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار اس.پی.اس.اس محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر روشهای توصیفی از جمله: تعیین فراوانی، درصد جداول و نمودارها، میانگین و انحراف استاندارد، از روشهای استنباطی در حد آزمون تی تک‌گروهی برای مقایسه میانگین با یک عدد ثابت، تحلیل واریانس یک‌راهه (F)، تحلیل واریانس چند متغیره، رگرسیون، آزمون کلموگروف - اسمیرنوف (K.S) برای تعیین نرمال بودن داده‌ها و آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار در افزایش سن ازدواج دانشجویان و برای تعیین پایایی آزمون مورد استفاده از آلفای کرانباخ در قالب نرم‌افزار اس.پی.اس.اس استفاده شده است.

هـ) یافته‌ها

در این بخش، یافته‌ها به ترتیب و بر اساس فرضیه‌ها در قالب جداول مختلف ارائه شده است.

فرضیه اول: عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی بر افزایش سن ازدواج دانشجویی تأثیر مثبت دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول 1: آمار توصیفی عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج

عوامل ازدواج	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
اقتصادی	392	80.4541	10.37348	.52394
فرهنگی - تربیتی	392	69.2556	11.49856	.58077
فرهنگی - اجتماعی	392	72.8622	10.63851	.53733
فردی - خانوادگی	392	67.8690	12.07117	.60969

بر اساس نتایج به دست آمده، عوامل اقتصادی، عامل اول؛ فرهنگی - تربیتی، عامل سوم؛ فرهنگی - اجتماعی، عامل دوم و فردی - خانوادگی، عامل چهارم به دست آمده است.

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین کنندگی ... ♦ 143

جدول 2: نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج

عوامل ازدواج	Test Value = 70			
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference
اقتصادی	19.953	391	.000	10.45408
فرهنگی - تربیتی	-1.282	391	.201	-.74439
فرهنگی - اجتماعی	5.327	391	.000	2.86224
فردی - خانوادگی	-3.495	391	.001	-2.13096

بر پایه نتایج به دست آمده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج، عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی - اجتماعی تأثیر مثبت و عوامل فرهنگی - تربیتی و فردی - خانوادگی تأثیر منفی بر ازدواج دارند.

فرضیه دوم: قدرت تبیین کنندگی عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی بر تغییرات سن ازدواج دانشجویی متفاوت است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون اثر و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جدول 3: نتایج آزمون اثر و رگرسیون برای عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج

Dependent Variable	Type III Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.	Partial Eta Squared
اقتصادی	4036.886	25	161.475	1.554	.046	4036.886
فرهنگی - تربیتی	3983.794	25	159.352	1.222	.215	3983.794
فرهنگی - اجتماعی	2920.893	25	116.836	1.035	.420	2920.893
فردی - خانوادگی	3119.281	25	124.771	.848	.679	3119.281

R Squared= .096 (Adjusted R Squared= .034)

R Squared= .077 (Adjusted R Squared= .014)

R Squared= .066 (Adjusted R Squared= .002)

R Squared= .055 (Adjusted R Squared= -.010)

جدول 3، نتایج آزمون اثر و رگرسیون برای عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج دانشجویی را نشان می‌دهد. بر پایه نتایج به دست آمده؛ مؤثرترین عامل ازدواج

دانشجویی از بین عوامل به دست آمده، عامل اقتصادی با 95 درصد اطمینان است. عوامل فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی در افزایش سن ازدواج دانشجویان در رتبه‌های بعدی قرار دارند و معنادار نیستند. عوامل اقتصادی با همبستگی $0/309, 6, 9$ درصد از تغییرات مربوط به افزایش سن دانشجویی را پیش‌بینی می‌کنند. عوامل فرهنگی - تربیتی با همبستگی $0/277, 7, 7$ درصد از تغییرات مربوط به افزایش سن دانشجویی را پیش‌بینی می‌کنند. عوامل فرهنگی - اجتماعی با همبستگی $0/256, 6, 6$ درصد از تغییرات مربوط به افزایش سن دانشجویی را پیش‌بینی می‌کنند. عوامل فردی - خانوادگی نیز با همبستگی $0/234, 0, 5$ درصد از تغییرات مربوط به افزایش سن دانشجویی را پیش‌بینی می‌کنند.

فرضیه سوم: میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی بر افزایش سن ازدواج دانشجویی دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون اثر (تحلیل واریانس چند متغیره) استفاده شده است.

جدول 4: آمار توصیفی عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج

عوامل ازدواج	جنسیت	Mean	Std. Deviation	N
اقتصادی	دختر	81.4483	9.95092	203
	پسر	79.3862	10.73293	189
	مجموع	80.4541	10.37348	392
فرهنگی - تربیتی	دختر	70.9557	10.21538	203
	پسر	67.4295	12.50539	189
	مجموع	69.2556	11.49856	392
فرهنگی - اجتماعی	دختر	74.1872	9.88270	203
	پسر	71.4392	11.24782	189
	مجموع	72.8622	10.63851	392
فردی - خانوادگی	دختر	68.8467	11.47727	203
	پسر	66.8190	12.62436	189
	مجموع	67.8690	12.07117	392

جدول 4، آمار توصیفی عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج را در دانشجویان دختر و پسر نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده، در همه عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی، میانگین دانشجویان دختر بیشتر از میانگین دانشجویان پسر است. به عبارت دیگر؛ عوامل تعیین شده (عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی -

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین کنندگی ... ♦ 145

اجتماعی و فردی - خانوادگی) در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختران بیشتر از دانشجویان پسران تأثیر گذار بوده است.

جدول 5: نتایج آزمون اثر برای عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج

Source	Dependent Variable	Type III Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.	Partial Eta Squared
جنسیت	اقتصادی	416.162(a)	1	416.162	3.896	.049	.010
	فرهنگی - تربیتی	1216.979(b)	1	1216.979	9.402	.002	.024
	فرهنگی - اجتماعی	739.124(c)	1	739.124	6.625	.010	.017
	فردی - خانوادگی	402.438(d)	1	402.438	2.774	.097	.007

R Squared= .010 (Adjusted R Squared= .007)

R Squared= .024 (Adjusted R Squared= .021)

R Squared= .017 (Adjusted R Squared= .014)

R Squared= .007 (Adjusted R Squared= .005)

داده‌های جدول 5، نتایج آزمون اثر برای عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ازدواج را برای منبع جنسیت نشان می‌دهد. بر پایه نتایج به دست آمده، اثر جنسیت بر عوامل اقتصادی ازدواج یک درصد بوده و این میزان اثر با 95 درصد اطمینان معنادار است. اثر جنسیت بر عوامل فرهنگی - تربیتی ازدواج 2,4 درصد بوده و این میزان اثر با 99 درصد اطمینان معنادار است. اثر جنسیت بر عوامل فرهنگی - اجتماعی ازدواج 1,7 درصد بوده و این میزان اثر با 99 درصد اطمینان معنادار است. اثر جنسیت بر عوامل فردی - خانوادگی ازدواج صفر درصد بوده و این میزان اثر معنادار نیست.

و) بحث و نتیجه‌گیری

امروزه رسالت دانشگاهها در تولید دانش، فرهنگ‌سازی، تحت تأثیر قرار دادن فرهنگ عمومی و ارائه خدمات، امری بدیهی و مسلم به شمار می‌رود و ابزار این کار، اطلاعات و الگوهای رفتاری استادان، مدیران، کارکنان و مخاطبان است. دانشگاهها از طریق ایجاد کارایی داخلی (دادن دانش، بینش و توانش کافی) و کارایی بیرونی (بازار کار و کیفیت زندگی) و توسعه اطلاعات، مهارتها، شخصیت و خلاقیت و تفکر، نه تنها بر بالندگی فرد، بلکه روشهای زندگی مردم یک جامعه تأثیر می‌گذارند (فضل‌الهی قمی و ملکی توانا، 152:1392). آنان به عنوان یک سیستم نرم و فرمان‌ناپذیر اجتماعی در صددند فرهنگ و شیوه زندگی را به دانشجویان یاد داده، فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار دهند. توجه به عوامل افزایش سن ازدواج در بین

دانشجویان نیز یکی از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی است که دانشگاهها برای داشتن محیطی کاملاً علمی و پاک، عاری از عوامل مداخله‌گر برای یادگیری شیوه تفکر یا یادگیری شیوه یادگیری و حل مسئله و خلاقیت در تولید علم به عنوان مهم‌ترین سرمایه کشورها در عرصه رقابت علمی عصر حاضر و تأثیرگذاری بر فرهنگ عمومی به عنوان رسالت خود با آن درگیرند. نتایج مطالعه حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر نشان داد:

عوامل اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، فرهنگی - تربیتی و فردی - خانوادگی بر افزایش سن ازدواج دانشجویان تأثیر دارد و میزان این تأثیر در عوامل اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی مثبت و معنادار است. مطابق داده‌ها، بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه «وجود پدیده بیکاری در بین جوانان» است که در رتبه اول قرار گرفته و نشان می‌دهد دانشجویان بیکاری را به عنوان یک مؤلفه اقتصادی، مهم‌ترین عامل مؤثر برای ازدواج نکردن و به تبع آن، افزایش سن ازدواج خودشان می‌دانند. پس از آن، مؤلفه «داشتن درآمد کافی برای ازدواج در بین جوانان» در جایگاه دوم قرار دارد. مؤلفه «خوف از پدیده افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی» در رتبه سوم قرار دارد. تأکید بر داشتن امکانات مسکن و خودرو قبل از ازدواج، تأکید بر استقلال مالی و میزان درآمد طرفین، از دیگر عوامل اقتصادی مؤثر بر افزایش سن ازدواج شناخته شدند. گسترش روابط ناسالم بین دختران و پسران، کاهش اعتماد به طرف مقابل به جهت افزایش جرائم و انحرافات، گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی بین جوانان، داشتن مدرک دانشگاهی و انتظار شغل در حدشان، عدم مسئولیت‌پذیری جوانان در امر ازدواج و اداره زندگی، به ترتیب در رتبه‌های چهارم تا دهم قرار گرفته‌اند که در مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی قرار دارند. از دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، مؤلفه‌های نگرانی جوانان از ضعف و ناتوانی جنسی، تأکید والدین بر انتخاب همسر از بین آشنایان، خدمت سربازی پسران، اختلاف طبقاتی در بین اقشار جامعه از حیث نژادی، تغذیه نامناسب و افزایش اختلالات توأم با کاهش میل جنسی، مهاجرت خانواده‌ها از روستا به شهر، تردید طرفین در سلامت جنسی و عدم ارتباط با جنس مخالف، تأکید جامعه بر ملاکهای سنتی در انتخاب همسر، تأکیدات فرهنگی و ارزشی جامعه در رعایت ترتیب تولد برادران و خواهران برای ازدواج در خانواده‌ها، وسواس در پایبندی و تقید دینی طرفین و دوری جوانان از خانواده به حسب شغل یا تحصیل، به ترتیب از عواملی بودند که در اولویت عوامل تأثیرگذار در افزایش سن ازدواج، تعیین‌کننده شناخته نشدند.

قدرت تبیین‌کنندگی عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی بر تغییرات سن ازدواج دانشجویی متفاوت است و عوامل اقتصادی بهترین پیش‌بینی‌کننده برای افزایش سن ازدواج محسوب می‌شود. این نتیجه با نتایج میرسندهی و محمدی قلعه‌سفیدی (1390)، صرابی و مصطفوی (1390) و حبیب‌پورگنجانی و غفاری (1390) مبنی بر تأثیر عوامل اقتصادی در افزایش سن ازدواج تا حدودی توافق دارد. البته این نتایج بیانگر این است که برای کنترل و کاهش سن ازدواج دانشجویی بهترین

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی ... ♦ 147

متغیر، عوامل اقتصادی‌اند. اگر جامعه بتواند برای دانشجویان امکان کار و اشتغال فراهم کند تا آنان بتوانند روی پای خود بایستند، زمینه برای ازدواج و تشکیل خانواده مساعد خواهد بود.

میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی بر افزایش سن ازدواج دانشجویی دانشجویان دختر و پسر متفاوت است و در همه عوامل بین دیدگاه دو جنس تفاوت وجود دارد و تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، فرهنگی - تربیتی در افزایش سن ازدواج دختران بیشتر از پسران بود؛ ولی در عوامل فردی - خانوادگی این تأثیر معنادار نبوده است. بررسی پیشینه، بیانگر فقدان نتایج قبلی مشابه بوده و به نظر می‌رسد در سن ازدواج، دختران بیشتر از پسران آسیب‌پذیرند و نهادهای اجتماعی و دانشگاهها باید بیشتر از دانشجویان پسر به عواقب افزایش سن ازدواج دختران بیندیشند و برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند. به عبارت دیگر؛ عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی و فرهنگی - اجتماعی تأثیر بازرندگی بیشتری در دختران نسبت به پسران برای ازدواج دارند.

باید توجه داشت یکی از شاخصهای مهم برای ارزیابی میزان سلامت جسمی و روانی افراد جامعه، سن ازدواج است. بالا رفتن میانگین سن ازدواج می‌تواند در مسیر سلامت جامعه اختلالاتی به وجود آورد (مورایما، 2001). از جمله پیامدهای این پدیده می‌توان به افزایش اضطراب و فشار عصبی، شیوع افسردگی، اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی، تغییر الگوها و هنجارهای ازدواج، افزایش فساد اخلاقی با گرایش به جرائم و اعتیاد و مصرف الکل اشاره کرد (آیت‌اللهی، 2013). بدون شک هر گونه تشویق در جهت ترویج ازدواج در جامعه مستلزم بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر پدیده ازدواج و عوامل مرتبط بر نگرش جوانان نسبت به ازدواج است. نتایج می‌تواند گویای این موضوع باشد که با وجود افزایش تأثیرات عوامل اقتصادی بر ازدواج دانشجویان، هنوز رنگ ارزشهای فرهنگی و اجتماعی متأثر از فلسفه مسلط در بین دانشجویان پر رنگ تر است.

پیشنهادها

1. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق در خصوص فرضیه اول مبنی بر تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، فرهنگی - تربیتی و فردی - خانوادگی بر افزایش سن ازدواج دانشجویان و مثبت و معناداری میزان این تأثیر در عوامل اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی، پیشنهاد می‌شود برای کنترل سن ازدواج بین دانشجویان به عنوان پرچمداران و آینده‌سازان کشور در تولید دانش و فرهنگ‌سازی و پیشگیری از افزایش بی‌رویه آن و تبعات مختلف منفی برای جامعه، برنامه‌ریزی برای توسعه وضعیت شغلی و اقتصادی دانشجویان از طریق انجام یک نیازسنجی ترکیبی مبتنی بر مسئله‌محور و هدف‌محور برای توسعه رشته‌ها، تحصیلات دانشگاهی و انتخاب رشته بر اساس آن و افزایش ارتباط صنعت و دانشگاه مبادرت ورزیده، تسهیلات رفاهی و حمایتی برای ازدواج دانشجویان افزایش یابد. از طرف دیگر، از طریق رسانه‌ها و مطبوعات، فعالیتهای فرهنگی و

هنری، نظام تربیتی بسترهای مناسب برای تغییر نگرش افراد و خانواده‌ها به مباحث ازدواج، برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم.

2. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق مبنی بر اینکه قدرت تبیین‌کنندگی عوامل اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی بر تغییرات سن ازدواج دانشجویی متفاوت است و عوامل اقتصادی بهترین پیش‌بینی‌کننده برای افزایش سن ازدواج دانشجویی است، پیشنهاد می‌شود برای رفع مشکلات اقتصادی دانشجویان و فراهم ساختن زمینه‌ها برای ازدواج به موقع دانشجویان، نسبت به توسعه کار دانشجویی در دانشگاهها و ترسیم قوانین حمایتی توسط مراجع قانونگذار برای تخصیص اعتبار و پرداخت تسهیلات مربوط بعد از اشتغال و کسب درآمد اقدام شود.

3. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق مبنی بر اینکه میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی بر افزایش سن ازدواج دانشجویی دانشجویان دختر و پسر متفاوت است و تأثیر این عوامل در دختران بیشتر از پسران است، پیشنهاد می‌شود برای حمایت بیشتر از قشر دختران دانشجو به عنوان مادران آینده که آسیب دیدن آنان خسارتهای جبران‌ناپذیر فرهنگی، اجتماعی، تربیتی، هویتی، انسانی، جمعیتی و حتی اقتصادی و روانی در روند تحولات مختلف جامعه و کشور دارد، برنامه‌ریزی و جدیت بیشتری انجام شود و فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه شکل گیرد.



منابع

- قرآن کریم.
- آزاد ارمکی، تقی (1386). «شکاف بین نسلی در ایران». نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش 4: 55-70.
- آقاسی، محمد، فلاح مین باشی، فاطمه (1394). تگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده. دو فصلنامه پژوهش نامه زنان، ش 6، صص 1-21.
- آیت‌اللهی، زهرا (1392). برنامه ریزی جمعیت و خانواده قم: نشر دفتر آموزش و پرورش.
- احمدی منفرد، اعظم و عباس چراغ‌چشم (1387). بررسی رابطه بین ازدواج دانشجویی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان. پایان‌نامه. قم: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اسکندری چراتی، آذر (1387). «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران: نمونه مورد مطالعه استان گلستان». جامعه‌شناسی، سال چهارم، ش 3: 25-1.
- بانکی‌پور فرد، حسین؛ مهدی کلانتری و زهرا مسعودی‌نیا (1390). «درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران». معرفت در دانشگاه اسلامی، 3 (48): 26-47.
- بیابانگرد، اسماعیل (1381). جوانان و ازدواج. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری مژده‌ای، افشین (1382). «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران». پژوهش زنان، ش 5.
- حبیب‌پور گنابی، کرم و غلامرضا غفاری (1390). «علل افزایش سن ازدواج دختران». پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست)، دوره نهم، ش 1 (32): 7-34.
- حسن‌زاده، رمضان (1383). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: ویرایش.
- حسینی، حاتم و مریم گراوند (1392). «سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و تگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوه‌دشت». زن در توسعه و سیاست، دوره یازدهم، ش 1: 102-118.
- دژکام، محمدرضا (1383). روان‌شناسی ازدواج. تهران: منشاء دانش.
- رجیبی، عباس (1386). «سن ازدواج و عوامل افزایش و داهبردهای کاهش آن». معرفت، ش 112: 143-154.
- ریشه، گئی (1366). تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نی.
- ساروخانی، باقر (1370). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- سلطان‌پور، عقیده (1379). روزنامه همشهری. سال نهم، ش 3223، سه شنبه 4 بهمن، ص 12.
- سگالن، مارتین (1370). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
- صادقیان، غلامرضا (1380). «سن ازدواج چرا افزایش یافته است؟». روزنامه کیهان، ش 171130.
- صدراالشرافی، مسعود و شمخانی، اژدر و یوسفی افراشته (1391). شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج آسان از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور مرکز رزن. فصلنامه مهندسی فرهنگی، شماره 69-70، صص 86-101.

- ضرابی، وحید و سید فرخ مصطفوی (1390). «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران، یک رویکرد اقتصادی». پژوهشهای اقتصادی (پژوهشهای رشد و توسعه پایدار)، سال یازدهم، ش 4: 64-33.
- عبداللهی، رضا. (1366). نظام اسلامی و مسایل و مشکلات نسل نو، روزنامه اطلاعات، ص 10.
- فراهانی خلج آبادی، فریده؛ شهلا کاظمی پور و علی رحیمی (1390). «بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاههای تهران». خانواده پژوهی، سال نهم، ش 33.
- فرودستان، مهرانو؛ حمیدرضا عریضی و ابوالقاسم نوری (1387). «معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر و مقایسه آن در دانشجویان دختر و پسر». رفاه اجتماعی، سال نهم، ش 33: 227-217.
- فضل الهی قمشی، سیفاله (1392). «تربیت فرهنگی در اسلام؛ روشها و رویکردها». مجموعه مقالات همایش ملی تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی. آباءه: دانشگاه آزاد اسلامی. 15-14 اسفند.
- فضل الهی قمشی، سیفاله و منصوره ملکی توانا (1392). «فرهنگ همسرگزینی در بین دانشجویان؛ معیارها و اولویتها». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوم، ش 1(6): 154-131.
- فولادی، محمد. (1393). تحلیل جامعه شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی، معرفت فرهنگی اجتماعی، س 5، ش 4، پیاپی 20، ص 77-104.
- کاظمی، زهرا و صغری نیازی (1389). «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج». جامعه شناسی ایران، سال یازدهم، ش 2 (30): 23-3.
- کاظمی پور، شهلا (1383). «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن». پژوهش زنان، دوره دوم، ش 3: 124-103.
- کاظمی پور، شهلا (1388). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن». دانشگاه اسلامی، ش 42: 95-75.
- کاوه فیروز، زینب، کاظمی پور، شهلا، رنجبر، مرتضی. (1393). تعیین کننده های اجتماعی جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه های تهران)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش 46، 449-468.
- کنعانی، محمد امین (1385). «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج؛ نمونه مورد مطالعه ترکمن ها». نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ش 1: 126-104.
- گیدنز، آنتونی (1386). چشم اندازهای جهانی. ترجمه محمد رضا جلالی پور. تهران: طرح نو.
- مجدالدین، اکبر (1386). «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان». پژوهشنامه علوم انسانی، ش 53: 386-375.
- محمودیان، حسین (1383). «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشیمان». نامه علوم اجتماعی، ش 24: 53-27.

سن ازدواج دانشجویی و قدرت تبیین‌کنندگی ... ♦ 151

- مرادی، گل‌مراد و محسن صفاریان (1391). «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان». *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال سوم، ش 7: 108-81.
- مهربانی، وحید (1393). «تحلیل اقتصادی تصمیم‌گیری برای سن ازدواج». *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، دوره 17، ش 65: 118-69.
- مهدوی، محمد صادق (1377). *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج*، تهران، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.
- میرسندسی، محمد و مصطفی محمدی قلعه‌سفیدی (1390). «بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی». *زنان و خانواده*، سال ششم، ش 17: 204-179.
- نیک‌منش، زهرا و یحیی کاظمی (1385). «علل و راه‌حلهای تأخیر در ازدواج جوانان». *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ش 5: 89-77.
- نقیبی، سیدابوالحسن، حمیدی، مهرانه. (1394). *سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائم‌شهر*، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره 25، ش 131، صص 164-159.
- نیازی، محسن، شاطریان، محسن، شفائی مقدم، الهام. (1394). *بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)*، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، س 6، ش 2، صص 58-27.
- **Holy Quran.**
- Abdollahi, Reza (1987). **The Islamic State and Problems of the New Generation**, Ettelaat Newsletter, p. 10.
- Aghasi, Mohammad, Fallah Minbashi, Fatemeh (2015). **Iranian youth's attitude toward marriage, spouse's choice and family formation**. *Two Quarterly Journal of Women's Research*, Vol. 6, p. 2, pp. 1-21
- Ahmadi Monfared, A. & A. Cherag Cheshm (2008). **Studying the Relationship between Student Marriage and Students' Academic Achievement**. Qom: Islamic Azad University.
- Ayatollahi, Z. (2013). **The Population and Family Planning**. Qom: Education Office Publication.
- Azad Armaki, T. (2007). **"The Intergenerational Gap in Iran"**. *The Name of the Association of Sociology of Iran*, 4: 55-70.
- Bankipour Fard, H.; M. Kalantari & Z. Masoudinia (2011). **"Earnings on the Marriage of Young People in Iran"**. *Journal of Knowledge at Islamic University*, 48, S. 3, S. 15: 26-47.
- Becker, M. (1974). **"Theory of Marriage: Part II"**. *The Journal of Political Economy*, Vol. 82, No. 2.
- Byabangard, I. (2002). **Youth and Marriage**. Tehran: Publishing House of Islamic Culture.
- Caldwell, J. (1981). **"The Mechanisms of Demographic Change in Historical Perspective"**. *Population Studies*, 29: 345-366.

- Dejkham, M.R. (2004). **Psychology of Marriage**. Tehran: The Origin of Knowledge Publishing.
- Eskandary Cherati, A. (2008). **“The Study of Factors Affecting Marriage Delay in Iran, a Case Study in Golestan Province”**. *Quarterly Journal of Sociology*, Vol. 4, No. 3: 1-25.
- Farahani Khalajabadi, F.; Sh. Kazemipour & A. Rahimi (2011). **“The Study of the Effect of Socializing with the Opposite Sex before Marriage on the Age of Marriage and the Desire to Marry among University Students in Tehran”**. *Quarterly Journal of Family Studies*, ninth, n. 33.
- Fazlollahi Gomshi, S. & M. Maleki Tavana (2013). **“Cultures of Cohabitation among Students; Criteria and Priorities”**. *Culture at Islamic University*, third year, p. 1 (6): 131-154.
- Fazlollahi Gomshi, S. (2003). **“Cultural Education in Islam; Hawrviqrands Method”**. *Collection of Articles of the National Conference on Cultural Education and Lifestyle Management*. Islamic Azad University, Abadeh Branch, March 14, 15.
- Foladivanda, mohammad(2013). **Sociological analysis of increasing the age of marriage; with an emphasis on cultural factors**, *Quarterly journal of social- cultural MAREFAT*, v. 4. 20, pp. 77-104
- Froo Dastani, M.; H.R. Arezi & A. Nouri (2008). **“Criteria for Choosing the Educational Level of a Spouse and comparing it to male and Female Students”** *Social Welfare Research Journal*, Ninth year, 33: 217-227.
- Giddens, Anthony (2007). **Global Perspectives**. Translated by M.R. Jalaiepour. Tehran: New Design.
- Habibpour Gottabi, K. & G.R. Ghaffari (2011). **“Causes of Increasing the Age of Girls' Marriage, Women's Quarterly on Development and Politics”**. *Women's Research*, Vol. 9, Issue 1 (32): 7-34.
- Hajnal, J. (1965). **“European Marriage Patterns in Perspective”**. I D.V. Glass & D. Eversley (Eds). *Population in History*. Arnold, London. P. 42-101.
- Hassanzadeh, R. (2004). **Research Methods in Behavioral Sciences**. Tehran, Edited.
- Hosseini, H. & M. Gravand (2013). **Measurement of factors affecting women's attitude and attitude toward proper marriage age in Kohdasht city”**. *Women's Publication on Development and Politics*, Period 11, p. 1: 101-118.
- Jafari Mozhdehi, A. (2003). **“Imbalance in Marriage Status in Iran”**. *Women's Research*, N. 5.
- Kanaani, M.A. (2006). **“Linkage of Tradition and Modernization in Increasing the Age of Marriage: A Sample of Turkmens”**. *Iranian Society of Demography*, 1: 104-126.
- Karlsson, G. (1963). **Adaptability and Communication in Marriage**. Totowa(N.J)Bedminster Press.
- Kaveh Firooz, Zeynab, Kazemipour, Shahla, Ranjbar, Morteza (2014). **Social determinants of age increase marriage (female students of**

- postgraduate education in Tehran universities), *Women's Quarterly on Development and Politics (Women's Research)*, V 46, p 446-468.
- Kazemi, Z. & S. Niazi (2010). **“Investigating the Effect of Cultural Factors on Marriage Patterns”**. *Sociology Journal of Iran*, Year 11, 2 (30): 3-23.
 - Kazemipour, Sh. (2004). **“The Evolution of the Marriage Age of Women in Iran and Its Effective Factors”**. *Women's Research*, Vol. 2, Issue 3: 103-124.
 - Kazemipour, Sh. (2009). **“Measure the Attitude of Young People towards Marriage and the Recognition of Its Effects and Consequences”**. *Islamic School*, 42: 75-95.
 - Keeley, Michael C. (1977). **“The Economics of Family Formation”**. *Economic Inquiry*, Vol. 15, Issue. 2.
 - Loughran, David S. & Julie M. Zissimopoulos (2004). **Are There Gains to Delaying Marriage?** The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages, RAND Labor and Population Working Paper Series, November 8.
 - Mahdavi, Mohammad Sadegh (1998). **Comparative Study of Marriage Changes**, Tehran, Shahid Beheshti University Press.
 - Mahmudian, H. (2004). **“Increasing Marriage: Reviewing Supporting Factors”**. *Social Science Letter*, 24: 27-53.
 - Majdeddin, A. (2007). **“Study of the Causes and Effects of Increasing the Age of Marriage of Rural Girls in Ashtian”**. *Human Sciences Journal*, 53: 375-386.
 - Mehrabani, V. (2014). **“Economic Analysis of Decision Making for the Age of Marriage”**. *Journal of Strategic Women Studies*, Volume 17, 65: 69-118.
 - Mirsondesi, M. & M. Mohammadi Ghaleh Sefidi (2011). **Investigating the Relationship between Women's Education and their Marriage Age and Its Prevention Strategies with an Emphasis on the Islamic Approach”**. *Journal of Cultural-Defensive Women and Family*, Sixth Session, 17: 179-204.
 - Moradi, G. & M. Safariyan (2012). **“Socio-Economic Factors Associated with Increasing the Age of Marriage of Young People”**. *Journal of Sociological Studies of Youth*, Third Session, 7: 81-108.
 - Murayama, S. (2001). **“Regional Standardization in the Age at Marriage: A comparative Study of pre Industrial Germany and Japan”**. *The History of the Family*, Vol. 6, 2: 303-324.
 - Nagibi, Seyyed Abolhassan, Hamidi, Mehraneh (2015). **Measuring youth attitude towards marriage in Ghaemshahr city**, *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, Vol. 25, p. 131, pp. 164-159.
 - Niazi, Mohsen, Shatriyan, Mohsen, Shafai Moghaddam, Elham (2015). **The study of the role of effective social, cultural and economic factors in negative attitude toward marriage (case study of citizens of Kashan)**, *Quarterly Journal of Cultural Sociology*, vol. 6, pp. 2, pp. 27-58
 - Nik Manesh, Z. & Y. Kazemi (2006). **“The Proliferation and Delayed Solutions in Young Marriage”**. *Journal of Educational Psychology Studies*, 5: 77-89.

- Rajabi, A. (2007). “**Age of Marriage and Factors of Increase and Its Reduction Strategies**”. *Knowledge*, 112: 143-154.
- Roche, Gay (1987). **Social Change**. Translated by Mansour Vosoughi. Tehran: Publishing Ney.
- Sadeghian, G.R. (2001). “**Why is the Age of Marriage Risen?**”. *Keyhan Newspaper*, No. 171130.
- Sadr Al Ashrafi, M.; A. Shamkhani & M. Yousefi Afrashteh (2013). “**Investigate Factors Affecting in the Easy Marriage from the Students Women View Payame Noor University Razan**”. *Journal of Cultural Engineering*, 69-70: 86-101. (Persian).
- Saroukhani, B. (1991). **Encyclopedia of Social Sciences**. Tehran: Kayhan Publications.
- Segalan, Martin (1992). **Historical Sociology of the Family**, Hamid Elyasi Translation, Tehran, Center Publishing.
- Sultan Pour, A. (2000). **Hamshahri Newspaper**. Nine th. Year, 3223, Tuesday 4 February, P. 12.
- Zarrabi, V. & S.F. Mostafavi (2011). **A Survey on the Factors Affecting the Age of Women's Marriage in Iran, An Economic Approach. " Economic Research (Sustainable Growth and Development Research)**. *Journal of Economic Study /Approach (Sustainable Growth and Development Research)*, 4: 33-64. (Persian).

